

متن پرسش

برادر طاهر زاده سلام علیکم بنده از برادران اهل سنت شما هستم که چند وقتی است روی مکتب تشیع تحقیق می‌کنم که اتفاقی به سایت شما وارد شدم و از اینکه فضای گفت و گو فراهم کردید بسیار سپاسگزارم. راستش اینجانب با وجود سنی بودن نتوانستم از حادثه مهم غدیر به راحتی عبور کنم و لذا بر آن شدم تا راجع به تشیع بیشتر تحقیق کنم و به کتب روایی شما و نظرات علمای شما خیلی رجوع داشته‌ام اما چندین مسئله برای من پیش آمده که حل نشده است یکی از آنها را مطرح می‌کنم البته با کمال صداقت بگویم که قصد مجادله ندارم و قصد دریافت حقیقت است. سوال بنده راجع به دختر بزرگوار رسول خدا فاطمه است ما اهل سنت برای ایشان به واسطه اینکه دختر رسول خدا (ص) و همسر صحابه بزرگوار علی ابن ابی طالب (کرم الله وجهه) بوده‌اند احترام خاصی قائلیم اما برداشت ما این است شما در تعریف مقام ایشان افراط کرده‌اید و با وجود اینکه از وهابیون خبیث بیزاری میجویم اما بعضی اوقات با دیدن روایات شما می‌گویم وهابیون حق دارند آنقدر با شما دشمن باشند البته از حرف بنده ناراحت نشوید اما خب باید بگویم. مثلا در کتب روایی شما شیعیان حدیثی قدسی نقل شده مبنی بر اینکه خدا فرموده‌اند به عزت و جلالم سوگند اگر محمد (ص) نبود عالم را خلق نمی‌کردم اگر علی (رضی الله عنه) نبود محمد (ص) را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه (رضی الله عنه) نبود محمد و علی را خلق نمی‌کردم. حال شما که تمدن زایی شیعه را نوشته‌اید انصافا قضاوت کنید این روایت کوچک کردن مقام پیامبر و صحابه ایشان و در کل کل بشریت نیست؟ آخر سند این روایت کجاست؟ دلیل آوردن آن چیست؟ یا مثلا رهبر انقلاب اسلامی مولوی خمینی می‌فرمایند فاطمه زهرا (رضی الله عنه) همه حقیقت اسلام است. بنده می‌خواهم عرض کنم دختری که هجده سال بیشتر عمر نکرده‌اند چه تاثیری در اسلام داشته‌اند که همه حقیقت اسلامند البته باز تاکید کنم ایشان به عنوان دختر پیامبر و همسر صحابه مورد احترامند اما این اغراق نیست؟ با تشکر از شما و سلام و درود به پیشگاه پیامبر و اهل بیت ایشان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم همان‌طور که اکثر شیعیان مقصد روایت فوق را درست متوجه نشده‌اند، جنابعالی نیز همان مشکل را پیدا کرده‌اید. اجازه دهید بنده برداشت خود را عرض می‌کنم تا خودتان هرطور صلاح دانستید در مورد آن فکر کنید. در قرآن داریم: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [۱] یعنی؛ هدف خلقت جن و انس، عبادت و بندگی خدا است. و از طرفی حضرت حق در

حدیث قدسی مفرماید: «یا اَحْمَد! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» [۲] ای احمد! اگر تو نبودی آسمان و زمین را نمآفریدم و اگر علی نبود، تو را نمآفریدم و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را نمآفریدم. ممکن است در برخورد اول تصور کنیم که مقام حضرت فاطمه (س) از مقام پیامبر خدا (ص) و علی (ع) برتر است در حالیکه اگر توجه بفرمایید ملاحظه خواهید کرد این روایت نظر به نبوت حضرت محمّد (ص) و امامت حضرت علی (ع) دارد و اینکه هدف نبوت و امامت، ظهور عبودیت انسانها است و به اعتبار نبوت حضرت محمد (ص) و امامت حضرت علی (ع)، هدف از خلقت حضرت محمّد و حضرت علی «علیهماالسلام»، حضرت فاطمه (س) است، آنهم به عنوان مظهر بندگی کامل خدا. یعنی حال که هدف خلقت انسانها، بندگی خداست و از طرفی هدف از خلق نبی (ص)- به اعتبار نبوتش - و هدف از خلق امام - به اعتبار امامتش - همه و همه، ظهور آن بندگی است که خداوند هدف خلقت انسانها قرار داده است، و حال که فاطمه‌زها (س) مظهر بالفعل آن بندگی است که نبوت و امامت برای ظهور آن پدید آمده‌اند، پس اگر نظر به فعلیت کامل بندگی که همان فاطمه‌زها (س) است نبود، اصلاً خداوند نبوت و امامتی را اراده نمکرد و لذا است که بتوان نتیجه گرفت فاطمه‌زها (س) مظهر کامل بندگی است. باید توجه داشت که این روایت نمخواهد مقام عبودیت پیامبر و علی (ع) را نفی کند، زیرا خداوند در توصیف رسولالله (ص) صفت «عَبْدُهُ» را بر صفت «رَسُولُهُ» مقدم میدارد و در واقع عبودیت محض رسولالله (ص) را تأیید کرده‌است، ولی در پیامبرخدا (ص) عبودیت و نبوت و در علی (ع) عبودیت و امامت جمع است و چون خداوند در خلقت انسان، نظر به عبودیت او دارد و فاطمه‌زها (س) نمونهی صریح و روشن آن عبودیت است، روایت مفرماید: مقصد خلقت نبوت و امامت، خلقت فاطمه‌زها (س) است و در واقع فاطمه (س) مظهر همان عبودیت پیامبر خدا (ص) است و محبت شدید پیامبر خدا (ص) به فاطمه‌زها (س) در همین راستا است که در آینهی وجود فاطمه (س) عبودیت خود را میابد و در عبودیت او مظهری از حقایق را مبیند و لذا پیامبر (ص) مفرماید: «فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ اَنْسِيَّةٌ، فَكَلَّمَا اَشْتَقْتُ اِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ، شَمَمْتُ رَائِحَةَ اِبْنَتِي فَاطِمَةَ» [۳] فاطمه حوریهای بشرگونه است، هر زمان مشتاق بوی بهشت مشوم، دخترم فاطمه را مبوبم. در حدیث دیگری مفرمایند: «فَمَا قَبَلْتُهَا قَطُّ اِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا» [۴] هرگز فاطمه را نمبوبسم، مگر اینکه بوی درخت طوبی را از او استشمام میکنم. پس فاطمه‌زها (س) مظهر جامعیت بهشت است و حضرت پیامبر (ص) وقتی میخواهند به بهشت و شجرهی طوبی منتقل شوند و از آن حقایق غیبی بهره گیرند، به فاطمه (س) نظر میکنند و او را مبوبیند و ارادت به مقام فاطمه‌زها (س) و توجه به مقام آن حضرت، قدرت چنین انتقالی را برای ما نیز به همراه خواهد داشت، البته در حدّ خودمان. توجه به اینگونه مقامات حضرتزها (س) مقدمه برای معرفت به آن حضرت خواهد شد و زمینهی درك شب قدر میشود. موفق باشید

[۱] (۱) - سورهی ذاریات، آیهی ۵۶.

[۲] (۲) - «جنة العاصمه»، ص ۱۶۸، به نقل از كشفاللئالی.

[۳] (۱) - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴.

[۴] (۲) - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶.